

## فدرالیسم در قانون اساسی عراق و تاثیر آن بر سرنوشت کردهای ایران

يك کشور واحد و به زبان خودشان آنجا بتوانند درس بخوانند و کارهایشان را انجام دهند، دانشگاه داشته باشند و هرچه بخواهند. این امر اجتناب ناپذیر است و مسلماً تغییراتی که در عراق روی داده است، به این راه حل نهایی مساله در ایران نیز کمک خواهد کرد.  
ع . س : آقای اسکندری.

**احمد اسکندری (فعال سیاسی کرد):** ببینید من فکر می‌کنم این اتفاقی که در عراق افتاد، نتیجه يك موازنه قوای واقعی است در زمینه سیاست در این منطقه و خوب جریان‌ها به سویی رفتند که متاثر از تحولات بسیار مهم جهانی و بین المللی بوده است. ما در آن چیزی که به عنوان قانون انتقالی حکومت عراق تصویب شده، اثرات این موازنه قوا را می‌بینیم. عکس عملهای شدیدی که به طور مشخص از طرف شیعیان عراق که بعد از امضای این قانون صورت گرفته، این امر را به خوبی نشان می‌دهد. آن چیزی که اتفاق افتاده، این است که مردمی که در عراق به عنوان شهروندان درجه دوم و سوم شناخته می‌شدند و هرباری که اینها تقاضای احقاق حقوق ملی خودشان را می‌کردند، با شدیدترین شیوه‌ای با آنها برخورد می‌شد، الان اینها حداقل در تئوری و تا حدودی که این قانون به ما نشان می‌دهد، به حد يك شهروند درجه اول صعود کردند و به طور مشخص آن دستاوردهایی که در طول دوازده سال گذشته در آن منطقه از کردستان که تحت حکومت دو حزب بزرگ کردستان عراق انجام شده، اینها می‌توانند حس بکنند زبان کردی به عنوان يك زبان رسمی کشور در کنار زبان عربی شناخته شده. از این زاویه که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مردمی که اتفاقاتی مانند حلبچه در موردشان اتفاق افتاده این فجایعی که به آن صورت اتفاق افتاده، الان به این سطح ارتقا پیدا کردند. حالا صحبت سر این است که اولاً خود همین قانون و خود این توافق که الان انجام شده، توافق کاملی نیست، مشکلاتی معین باقی است که باید حل شود و این احتیاج به درایت، احتیاج به سیاست و مبدل بودند دارد و اینکه دیگر امکانی داده نشود به خشونت و برخوردهای احياناً قومی در آینده. منتها اگر ما به این بخش از مردم کردستان به عنوان يك بخش از يك ملت بزرگتر نگاه کنیم، خیلی طبیعی است که ببینیم در بخشهای دیگر کردستان و از جمله در کردستان ایران این نوع عکس العمل را نشان دهند. مردم از يك طرف می‌بینند که کسانی که تا همین پارسال هم به عنوان آواره و در به در هرزگاهی وارد خاک ایران می‌شدند و به کردستان ایران می‌آمدند، الان اینها از همچین موقعیتی برخوردار شدند. این به خودی خود خوشحالی بسیار زیاد است. من مطمئن نیستم عده زیادی از این مردمی که ابراز خوشحالی کردند، این قانون را خوانده باشند. برای اینکه تا آنجایی که من اطلاع دارم يك ترجمه ناقص فارسی از این قانون هست و قانون فقط به زبان عربی و انگلیسی به طور رسمی

**علی سجادی (رادیو فردا):** قانون اساسی موقت عراق و تأیید تشکیل نوعی حکومت‌های محلی و فدرالیسم در استانهای این کشور با حفظ تقسیمها جغرافیایی موجود واکنشهایی را در ایران، سوریه و ترکیه در میان کردهای این سه کشور برانگیخت. تأثیر قانون اساسی دوران گذار عراق در منطقه‌ای که به نظر می‌رسد آماده تحولات بنیادینی از منظر دموکراسی و رشد آن و نیز رعایت حقوق بشر می‌شود و بخصوص تأثیر آن بر سرنوشت کردهای ایرانی، موضوع بحث این هفته حقوق بشر و دموکراسی است. شرکت کنندگان در این میزگرد: آقایان داریوش همایون از رهبران حزب مشروطه و تحلیلگر سیاسی، علی کشتگر، فعال سیاسی و روزنامه نگار و احمد اسکندری، فعال سیاسی کرد هستند. اولین سنووال این است که شرایط ویژه‌ای که در کردستان عراق پیش آمده، چه تأثیری بر کردستان ایران و کل منطقه می‌گذارد. از آقای همایون خواهش می‌کنم بحث را آغاز کند.

**داریوش همایون (از رهبران حزب مشروطه و تحلیلگر سیاسی):** اتفاقی که در عراق افتاد، رسمی کردن يك امر واقع بود، برای این که از سال ۱۹۹۱ نیروی هوایی آمریکا عملاً دسترسی حکومت عراق را به مناطق کردنشین ناممکن کرد، مگر يك بار که به کمک يك گروه کردها بر ضد گروه دیگری عملیاتی انجام دادند، ولی يك پناهگاهی بوجود آورد که در این ۱۲ سال دو بخش یا دو حکومت توانستند کم کم زمینه يك همکاری را فراهم کنند و يك ماهیت یگانه‌ای را در محل تشکیل دهند، يك حکومت محلی را تشکیل دهند که در اصل کارش را می‌کند و دارای نیروی نظامی قابل توجهی هم هست. سی چهل هزار نفری سرباز و برای عناصر دیگر جمعیت عراق پذیرفتن این خواست کردها که در امور خودشان اختیاراتی داشته باشند و بتوانند فرهنگ خودشان را حفظ کنند و توسعه دهند، پذیرفتن این موضوع اجتناب ناپذیر بود و مقاومت در برابر این کار به منزله شکسته شدن عراق می‌بود و سه تکه شدنش که درهای دوزخ را در آن کشور و منطقه باز می‌کرد. انعکاس و بازتابش در بیرون از عراق شادیهایی بود که مردم در مناطق کردنشین ایران کردند که بسیار حق داشتند و شورشی بود که در سوریه روی داد و سرکوب شد. البته در ایران هم بسیجها ریختند و مردم را زدند، ولی درسوریه خیلی شدیدتر بود که سوریه از بحث ما خارج است. ولی در ایران این گرایش به تشکیل به حکومت‌های محلی را حالا آسمش هرچه می‌خواهد باشد و نیز حفظ و گسترش فرهنگهای قومی را که الان هم البته زیاد ضعیف نیست و تا حدود زیادی هم انجام می‌گیرد، این را تقویت خواهد کرد و این به نظر من هیچ نباید مایه نگرانی ایرانیان دیگر بشود، برای اصلاً نوعاً در آینده ایران همین است که اقوام مختلف دارای حکومت‌های محلی بشوند و اختیاراتی داشته باشند و کارهایشان را خودشان انجام دهند در چهارچوب

پخش شده. حالا مساله این است که مردم در کردستان مقایسه می کنند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی الان بعد از ۲۵ سال يك ماده بسیار مبهمی در مورد زبانهای اقلیتهای قومی و این را مقایسه می کنند با آن چیزی که الان در کردستان عراق تصویب شده، بنابراین تفاوت بسیار فاحشی می بینند. خوشحالی از این زاویه است که می بینند درد و رنج این بخش از مردم کردستان امیدوارند که به پایان برسد و در عین حال امیدوارند که این بارقه امیدی باشد و جرقه ای باشد که بیاید در بخشهای دیگر و این حقوق را لافل در همان سطحی که هست به این مردم هم نشان دهد و حکومتهای دور و بر را هم ناچار کند، از جمله ایران که این حق را به رسمیت بشناسند که متأسفانه علیرغم کاملاً مسالمت آمیز بودن این برخورد کردها در کردستان ایران، با برخورد بسیار شدید و خشونت آمیز نیروهای سرکوبگر روبرو شد و می بینیم که عده زیادی را دستگیر کردند.

**ع . س :** آقای کشتگر؟

**علی کشتگر (فعال سیاسی و روزنامه نگار):** من فکر می کنم که این يك فرصت بسیار مهم تاریخی است، هم برای کردها و هم برای همه مردم منطقه که در واقع تحول دموکراسی و عدم تمرکز که خودش خیلی لازم است برای آینده منطقه که قدرتهای مرکزی همواره جلوی تحول دموکراسی را در ایران گرفتند و در سایر مناطق همچنین اینچنین بوده، به اعتقاد من بوجود آمدن يك ساختار سیاسی فدرال در عراق به همین شکلی که الان اعلام شده در قانون اساسی، این منشا تحولات بسیار مهمی خواهد بود. طبیعی است که کسب خودمختاری در کردستان عراق انتظارات کردهای ایران و ترکیه را برای کسب همین حقوق بالا می برد و باز هم طبیعی است که مردم کردستان عراق و حتی دولت‌های آینده عراق که بر اساس چنین قانونی روی کار بیایند، پشتیبان این خواست کردهای ایران و ترکیه باشند. بنابراین يك اثر مستقیم و مشخص این تحول، رشد جنبشهای ملی در کردستان در کردستان ایران و ترکیه و سوریه خواهد بود و افزایش فشار بر حکومتهای مرکزی ایران و ترکیه. من فکر می کنم خودمختاری کردهای عراق بنابراین فقط يك فرصت منحصر به فرد فقط برای کردها نیست، بلکه فرصتی تاریخی است برای رشد تفکر و ساختار دموکراسی در ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه و همانطوری که آقای همایون اشاره کردند، اساساً تمرکز زدایی و تقسیم قدرت و مسئولیت که می تواند در نظامهای فدراتیو رخ بدهد، يك عامل مهم برای رشد و توسعه دموکراسی است و چه بسا در آینده ایران هم به این شکل اگر اداره بشود، بتوانیم اصلاً تحول دموکراتیک در ایران نیاز دارد به چنین تحول و چنین قوانینی که اقوام مختلف ایرانی بتوانند قدرت بیشتری داشته باشند در اداره امور خودشان و در واقع در يك ایران یکپارچه و دموکرات همه این اقوام از حقوق خاصی که لازم دارند، برخوردار باشند. من با توجه به این، فکر می کنم که به خصوص ایرانی‌ها بیشتر از بقیه مردم منطقه باید خوشحال باشند از این تحول، چرا که کردها از اصیل

ترین و قدیمی ترین اقوام ایرانی هستند. حالا کردها در مثلاً بین اعراب خیلی خودی شناخته نمی شوند و می دانیم که بین اعراب و کردها آن نزدیکی قومی، خویشاوندی قومی و فرهنگی بسیار کم است و یا بین کردهای ترکیه و ترکها. اما بین کردها و ایرانیان اصلاً فرق می کند. کردها اقوام اصیل و قدیمی ایران هستند و سنتهای باستانی ایرانی، هویت ایرانی، فرهنگ ایرانی را پاسداری کردند و دارند و به این اعتبار ما ایرانیها بایستی بیش از هر ملت دیگری خوشحال باشیم و استقبال کنیم از این تحولی که در عراق رخ داده.

**ع . س :** آیا فکر می کنید اینکه اصولاً کردها يك قوم ایرانی خودشان را می دانند و هستند، در مساله طلب خودمختاری در ایران تاثیری خواهد داشت آقای همایون؟

**داریوش همایون:** مسلماً تنشی که میان کردها است و حکومت مرکزی، در این سه کشور بسیار تفاوت دارد. در ایران کمترین و در عراق اتفاقاً به فحیعتترین صورت رسید. یعنی حلبچه که اشاره کردند در ترکیه هرگز اتفاق نیفتاد و در عراق اتفاق افتاد. ولی به کلی زمینه ها هم متفاوت است، علت هم همان است که آقای کشتگر گفتند. برای این که کردها در ترکیه و عراق از بیخ با این عربها و ترکها تفاوت دارند. ولی خب ما اگر کمی به عقبتر برویم در تاریخ، اصلاً با هم زندگی کردیم بیش از سه چهار هزار سال و هیچ مساله‌ای میان ما نیست. ولی من اینجا يك نکته ای را اشاره کنم. موضوع فقط کردستان و اقلیتهای قومی نیست در ایران. آنچه که ما در ایران باید به آن توجه کنیم، دموکراتیک کردن سرتاسر نظام حکومتی است و عدم تمرکز در سرتاسر ایران. ما فقط با اقوام در ایران سر و کار نداریم. ما با مناطق گوناگون ایران سر و کار داریم که همه را باید به يك چشم نگاه کنیم و آنچه که از حقوق به يك منطقه می دهیم، منظور مردم می دهند، میان همه باید پخش بشود. باید ما متوجه این موضوع باشیم که دیوارهای مصنوعی در ایران میان مردم نکشیم. مردم ایران با هم آمیخته اند، برای اینکه زیاد تفاوتی با هم نداشتند، گرچه تفاوتهای زبانی بوده است، ولی این تفاوتهای زبانی تحت الشعاع اشتراکات بسیار بیشتری همیشه قرار گرفته اند. و این آمیختگی در پاره ای از شهرها به اندازه‌ای است که اصلاً جدا نمی شود کرد این مردم را از هم باید. در نتیجه باید ما نگاهمان منطقه‌ای باشد و به همه مناطق ایران باید این حکومتهای محلی را داد. من راجع به خودمختاری و فدرالیسم يك کمی حساسیت دارم، به دلیل این که اینها سوابقش در ایران زیاد خوب نبوده است از سال ۱۳۲۴ این صحبتها شده که با فشارهای ارتش شوروی و فشارها بیرون، ولی حکومتهای محلی تمام آن منظور را حاصل می کند و اینکه اختیارات محلی را می دهد و نهادهای انتخاباتی مردم و البته حقوق فرهنگی برای همه. مثلاً فرض کنید فردا در کردستان يك حکومت محلی داشته باشیم و عده زیادی از آذربایجان در آن منطقه زندگی می کنند. آنها همه به هر زبانی که دلشان می خواهد صحبت کنند و کتاب بنویسند و دانشگاه داشته باشند و هرچه. این نگاه ملی که به همه ملت ایران تعلق می گیرد

نه به بخشی از آن، جلوی خیلی برخوردها را خواهد گرفت و با طبیعت جامعه ایرانی و با تاریخ ایران و با ترکیب قومی ایران بسیار سازگارتر است. ایران را به هیچ وجه نباید با ترکیه و عراق یکسان گرفت و آنچه در عراق روی داده است، لزوماً نباید در ایران تکرار بشود. عراق تاریخ دیگری دارد و جمعیت دیگری زیادی دارد و مهمترین تفاوتش هم با ایران این است که آنجا الان ۱۳۰ هزار سرباز آمریکایی هست و در ایران يك نفر هم نیست و این خیلی خیلی تفاوت ایجاد کرده است.

**ع.س.:** آقای اسکندری؟

**احمد اسکندری اسکندری:** بله، ببینید به نظر من بحث وارد زمینه بسیار جالبی شده است. من همینجا دوست دارم که خطاب به همین دوستانی که صحبت فرمودند و همه روشنفکران ایرانی این را بگویم که تکرار این مساله که کردها، ایرانی‌های اصیل هستند، و به نظر من درست هم همین است، یعنی کردها به لحاظ زبانی، به لحاظ فرهنگی، به لحاظ تاریخی، تقارب بسیار زیاد با ایرانیان و فارس‌ها دارند. این را انکار نمی‌شود کرد و این داده‌های تاریخی هستند. منتها باید در کنار تکرار این، به محض اینکه دفاع از آزادی و دموکراسی می‌شود، دفاع از حقوق مردم کردستان هم باشد، و این آن چیزی است که ما متأسفانه نمی‌بینیم. به محض اینکه تعداد بسیار زیادی از روشنفکران ایرانی، به محض اینکه صحبت از حقوقی برای مردم کردستان می‌کنند، الزاماً از یکپارچگی ایران و از جدا نشدن و تجزیه طلبی و اینها صحبت می‌کنند. و این اتفاقاً چیزی بود که در رابطه با همین شادی نشان دادن در شهرهای کردستان اخیراً هم پیش آمد که سایت بازتاب نوشت که تجزیه طلبان تصمیم دارند که آشوب به راه بیندازند، در صورتی که هنوز چیزی اتفاق نیافتاده بود. آن چیزی که آقای همایون می‌فرمایند، که ایشان حساسیت دارد به فدرالیسم و خودمختاری، بنده چون از نزدیک در جریان مذاکرات هیات نمایندگی خلق کرد در سال ۱۳۵۸ با نمایندگان حکومت مرکزی بودم، و در طی مذاکرات بسیار زیادی که آنجا داشتیم، سر این کلمات بسیار اصرار می‌شد، من فکر می‌کنم که این جنبه مهمی است که حساسیتی نسبت به این کلمات نباشد. همین الان هم ما می‌بینیم که در ادبیات فارسی در ایران و در بین روشنفکران ایرانی، آن چیزی که در عراق امضاء شده، به آن خودمختاری می‌گویند، در حالی که دوستان به زبان‌های خارجی که تسلط دارند، در حالی که هیچ‌جا کلمه اتونومی، که همان خودمختاری فارسی می‌شود، نیامده. و این به نظر من جای تأسف است که به این صورت، به اصطلاح، شناخته شود. خوب این را همه قبول داریم که رشد دموکراسی در ایران، آن چیزی است که به نفع مردم ایران است، به نفع آینده ایران است و آینده ایران جز این نمی‌تواند باشد. ولی فراموش نکنیم که رشد دموکراسی در ایران، ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیکی دارد با حقوق دموکراتیک ملیت‌های ساکن ایران. یکی از نکات برجسته قانون جدید در عراق، این است که می‌گوید کشور عراق، کشوری است کثیرالمله، یعنی تعداد ملیت‌هایی که در عراق

هستند را بیشتر از یکی حساب می‌کند، بنابراین من فکر می‌کنم همانطوری که در مرداد ۱۳۵۸، درست در گرماگرم صدور فرمان جهاد با کردستان، سرکوب روزنامه‌ها و ارگان‌های دموکراتیک در تهران شروع شده بود و ای بسا بعضی هم خاتمه یافته بود، به خوبی نشان می‌دهد که نمی‌شود از حقوق مردم کردستان دفاع کرد، منتها از دموکراسی و آزادی و رشد آزادی‌های دموکراتیک در ایران صحبت نکرد. من فکر می‌کنم که این اهمیت دارد که یک بار برای همیشه، همه دوستان روشنفکر ایرانی، این را قبول بفرمایند که مساله این نیست که مشکل زبانی بوده، مساله این است که کردها در کردستان ایران، به عنوان شهروندان درجه دو شناخته شده بودند، و مشکلات بسیار زیادی دارند. آن اشاره تاریخی هم که آقای همایون کردند، من دوست دارم که اشاره ای بکنم. یکی از جنبه‌هایی که از قاضی محمد، رئیس جمهوری مهاباد در ۱۹۴۶ (۱۳۲۴)، خیلی نقل می‌شود، اتفاقاً روابط او بود با حکومت مرکزی و اتفاقاً سازش‌هایی بود که دوست داشتند ایشان با حکومت مرکزی ایران انجام بودند. بودن سربازان شوروی در منطقه، و به نظر من فشاری که آنها می‌آوردند به خاطر منافع خود در منطقه، این به جای خود، این فشار آنجا هم بود، آذربایجان هم بود، منتها تا آنجایی که به رهبری جریان کردستان بر می‌گردد، همواره تلاش کردند که درگیری پیش نیاید، جنگی پیش نیاید و به حداکثر سازش و توافق برسند با حکومت مرکزی. ترور دکتر قاسملو در وین، فکر می‌کنم این را ثابت می‌کند که کسی در حد ایشان به این تصور بودند که جمهوری اسلامی مثلاً می‌تواند از راه مسالمت آمیز این مساله را حل بکند. من فکر می‌کنم که اگر ما یک تجدید نظری بکنیم در اینکه اسم فدرالیسم، اسم خودمختاری، حقوق ملی، و اقلیت‌های ملی را اگر قبول بکنیم، به نظر من این در کنار اصالت ایرانی بودن و نزدیک بودن خیلی زیاد ایرانی‌ها و کردها را، ثابت می‌کند و گوش شنوای بسیار زیادی در کردستان پیدا می‌کند، و به نظر من این نکته بسیار مهمی است که در حال حاضر به آن احتیاج داریم.

**ع.س.:** آقای کشتگر؟

**علی کشتگر:** من دوست دارم اینجا زنده یادان دکتر عبدالرحمان قاسملو، و دکتر سعید شرافکندی که از دوستان عزیز من بودند و هر دوشان همواره تاکید می‌کردند که ما خواهان دموکراسی در ایران و خودمختاری برای کردستان هستیم، و مرتباً یادم است که دکتر قاسملو در بحث‌هایی که با هم داشتیم تاکید می‌کرد که مساله کردستان، در همگرایی منطقه حل می‌شود، و نه در واگرایی و ایجاد مرزهای جدید و یا تجزیه و استقلال این مناطق. می‌گفتند که جهان به سوی همگرایی می‌رود، اروپا را مثال می‌زدند که چگونه اروپایی‌ها به هم نزدیک می‌شوند، و چه بسا در این نزدیکی‌ها، مسائلی مثل مسائل مختلف ملی که در اروپا هست، حتماً بهتر حل می‌شود. در منطقه ما هم در آینده، راهی به جز دموکراسی از یک طرف، عدم تمرکز از طرف دیگر و همگرایی بین ملت‌ها، نزدیکی بین ملت‌ها و ایجاد بازارهای مشترک و امثالهم، راه

دیگری نیست و به نظر من در این کش و قوس ها هست که مساله ملی کردها هم مطرح است. هیچکس نمی تواند منکر این بشود که اگر کردها همه شان روزی بخواهند در سرزمین هایی که آنجا حضور دارند، به صورت یک دولت مستقل و جدا از همه دولت های دیگر هم به زندگی شان ادامه بدهند، این حق شان هست و به نظر من کسی نمی تواند جلوی این حق بایستد و نباید ایستاد و این خلاف واقعیت های زمان، و خلاف خواسته ملت، و منشاء جنگ و خونریزی است. منتها من فکر می کنم که مصالح کردها در ایران، همینجوری که این رهبران حزب دمکرات ایران اشاره کرده بودند در آزادی، برای مردم به طور کلی و خودمختاری کردستان هست و نباید از خودمختاری و حتی از فدراتیو نگران بود، الگوهای ما الگوهای استعماری و زورگویانه و تمامیت خواهانه روسی نیست. ما می دانیم که آلمان هم امروز حکومت فدراتیو دارد. ایالات متحده آمریکا هم دولت فدرال دارد. سوئیس هم به صورت فدراتیو اداره می شود. هیچ یک از این سرزمین ها هم تاریخ مشابهی ندارند، و اگر قرار باشد که ایران ما هم که همواره از طریق حکومت های استبدادی اداره شده، در قرن بیست و یکم به سمت تحول دمکراتیک برود، همینجوری که همگان اشاره داشتیم به عدم تمرکز، و به خودمختاری اقوام ایرانی بیش از هر زمان نیاز هست، و اکنون که نیاز به دمکراسی هست، و حالا به نظر من دیگر اینجا بازی کلمات است. فدراتیو مگر چه چیزی است، جز اینکه اقوام و ملل یک کشور کثیرالمله، بتوانند هر کدام در محدوده خود اختیارات و سיעی برای امور اقتصادی، فرهنگی و بقیه مسائل مربوط به ساختاری و حکومتی داشته باشند، و در ضمن در مساله سیاست خارجی و پول واحد و امثالهم هم سیاست مشترک و واحدی داشته باشند، و هیچ هم به نظر من نیابستی نگران شد، و این اصلا نیاز دمکراسی در ایران است، و من فکر می کنم که به هر حال اگر عراق موفق بشود و قانون اساسی را در آینده عملی بکند، و دمکراسی در عراق رشد بکند بر اساس چنین قانونی، من معتقد هستم و مطمئن هستم که این منشاء تحولات عظیمی در کل کردستان و به خصوص در ایران ما خواهد بود و جای هیچ تردیدی هم نیست.

ع. س : و اینک نظر آقای همایون را می شنویم.

**داریوش همایون:** من باید خدمت آقایان عرض کنم که يك واقعیتی است که ما هرچه اینجا بگوییم و نظر ما هرچه باشد، در آن واقعیات تغییری ایجاد نمی شود و آن واقعیات این است که مردم ایران و اکثریت ملت ایران از یکپارچگی ایران به هر ترتیب دفاع خواهد کرد و همانطوری که سه چهار هزار سال است دفاع کرده، پایش خواهد ایستاد و ما باید این را در نظر بگیریم و در چهارچوب این مطلب اول مسائل را روشن کنیم، دوم اینکه نیاز جامعه ما است که دموکراتیک شود و نیاز نظام سیاسی ما است که غیر متمرکز بشود و نیاز اقوام مختلف ایرانیان است که به زبان خودشان سخن بگویند و درس بخوانند و رسانه هایی داشته باشند و نیاز مناطق ایران است که کارهای خودشان را خودشان

اداره کنند. اینها را ما باید اول بپذیریم و آن وقت برویم دنبال این مساله که کدام کلمه بهتر است، کدام اصطلاح بهتر است و امثال آن. من در عرایضم گفتم که به هیچ وجه ایران را با ترکیه و عراق مقایسه نکنید. اگر در عراق می گویند ما کشور چند ملیتی هستیم، بله برای آنکه همانطوری که گفتم کردها به کلی با عربها تفاوت دارند و از نزدیک صد سال پیش اینها را به زور ارتش انگلیس کردند در آن مملکت. این به هیچ وجه ربطی به ایران و سابقه اش ندارد. ترکیه در سال ۱۵۰۰ به ایران حمله کرد در چالدران ایران را شکست داد، يك تکه بزرگی از کردستان را جدا کرد و بخشی از خاک خودش کرد که بخشی از آن هم افتاد دست عراق. ایران هرگز هیچ جای کردستان را فتح نکرده و به خودش متصل کند. این تفاوتها را باید در نظر گرفت و يك نکته بسیار مهم دیگری هم هست که اتفاقا تاکید بر این تفاوتها و تایید بر چند ملیتی بودن ایران و استقلال نهایی کردستان و کشور یکپارچه کردستان از سه کشور ایران و ترکیه و عراق، اتفاقا این جلوی دموکراسی را در ایران گرفته است و باز هم خواهد گرفت. اگر ما بخواهیم دموکراسی در ایران برقرار بشود، باید در این زمینه ها بسیار هوشیار باشیم و کاری نکنیم که توجه ملی از تقویت دموکراسی متوجه حفظ مملکت بشود حالا به اشتباه یا واقعی. تحریک نباید کرد مردم را، آنچه که من پیشنهاد می کنم این است که ما حقوق همه مناطق ایران را از جمله مناطقی که اقوام مشخصی در آن اکثریت دارند و اینکه امور خودشان را در دست داشته باشند بپذیریم، آزادی فرهنگی، حقوق فرهنگی به موجب میثاقهای پیوست اعلامیه جهانی حقوق بشر را قبول کنیم، یعنی هیچ چیزی اضافه بر آنچه که امروز کردها در عراق می خواهند و مقدار زیادی به دست آورده اند، هیچ چیزی اضافه بر آن نیست. اگر در این طرحی که ما پیشنهاد می کنیم. هرچه بخواهند در آن هست، ولی هشدار می دهیم که پافشاری در يك مسائلی و کلماتی به رشد دموکراسی در ایران آسیب می زند، توجه را به جاهای دیگر جلب می کند و وسیله سوء استفاده می دهد به دست عناصری که کم هم نیستند در ایران که به جریان دموکراتیک ضربه بزنند به نام حفظ وحدت کشور، به نام حفظ تمامیت کشور.

ع. س : آقای کشتگر؟

**علی کشتگر:** من کاملا در این مورد که طبیعتا همگی ما حفظ تمامیت ایران و یکپارچگی ایران و کشوری که قرنها با هم زندگی کردند اصلا ربطی به عراقی که می دانیم چگونه بعد از جنگ اول جهانی اصلا عراق شکل گرفته، همه این مسائل تاریخی را می دانیم و همه اینها نشان دهنده این است که ما همواره با هم زندگی کردیم، ایران یوگسلاوی نیست که در يك تحولی يك دفعه از هم جدا بشود و یا وضعیتی مانند عراق ندارد. اینها همه واقعیتهای تاریخی انکار ناپذیری است. این يك طرف. مساله دیگر هم این که معمولا احزاب کردستان، رهبران سرشناس کردستان مانند دکتر قاسملو و دکتر سعید را من مثال زدم که اینها چقدر برایشان مهم بود یکپارچگی ایران و می گفتند که اصلا مساله

کردها در همگرایی عمومی منطقه حل می شود و شعارشان آزادی برای ایران و خودمختاری برای کردستان بود و اتفاقاً يك خاطره ای الان یادم افتاد که می گفت: من به این دوستان چپ گاهی تاکید می کنم که نگویند کردها استقلال می خواهند، چون هم ما نمی خواهیم از ایران جدا بشویم و به کسی هم اجازه نمی دهیم که خودش را از ما بیشتر ایرانی بداند و بخواهد حساب ما را با ملت ایران جدا بکند و علاوه بر این، اصلاً به لحاظ اقتصادی، سیاسی و امثالهم به نفع کردها نیست این جدایی و خیلی از این مسائل را می گفت و در برخورد با نیروهای سیاسی دیگر می گفت. من به همه این مسائل اشاره می کنم و می گویم خوشبختانه مساله جدایی خواهی واقعا در کردستان نیست و معمولا نیروهای استبدادی مرکزی به این دامن می زنند و سعی می کنند از این موضوع بهره برداری کنند. به همین اعتبار هم ما باید حداکثر توجه را داشته باشیم که بهانه به دست آنها ندهیم و من در این مورد تاکید می کنم که کاملاً درست است صحبت آقای همایون.

ع . س : جناب آقای اسکندری.

**احمد اسکندری:** من چند جای دیگر هم صحبت کردم و گفتم این مساله حقوق ملی شباهت عجیبی دارد به حقوق زنان در جامعه و بخصوص در جامعه ای مانند ایران. در محافل زیادی به محض این که صحبت از برابری حق زن و مرد می شود، جمله را با این شروع می کنند که می گوید البته با هرنوع بی بند و باری ما مخالفیم، ولی زنها باید آزاد باشند. این درست همین است، من آن چیزی که نگرانم بودم و به عنوان يك کرد که اطلاع دارم از افکار عمومی بین روشنفکران کرد و دیگران در کردستان، این نگرانی خودم را به همین خاطر در اول صحبت خود ابراز کردم که صحبت و تاکید این همه بر روی تجزیه طلبی و این همه اصرار بر یکپارچگی ایران، در حالی که حتی يك سازمان و گروه کوچک هم در کردستان ایران نیست که نه الان، نه ده سال پیش و نه بیست سال پیش هم خواهان جدایی از ایران بوده باشد، من از این نگرانم که این نشان دهنده این است که اصولاً دادن آن حقوقی که حق دموکراتیک مردم کردستان است، آن هم پایمال بشود. من دوست دارم يك نقلی کنم از يك دادستان یکی از دادگاههای ترکیه اگر اشتباه نکنم سال ۱۹۲۶ بود. جنبشی در کردستان در گرفته بود و این جنبش سرکوب شده بود و عده زیادی داشتند محاکمه می شدند و در زندان بودند. رئیس دادگاه می گوید: ببینید آقایان شما جملات زیادی به کار می برید، یکی می گوید خودمختاری، یکی می گوید خودگردانی، یکی می گوید استقلال، یکی می گوید فدرال، منتها علیرغم آن جمله ای که بیان می کنید چیست، در دلتان همه با هم موافقید. یعنی می خواهید این کشور را تجزیه کنید و این را من متأسفانه به عنوان استدلالهای سیاسی از بسیاری از روشنفکران ایرانی این را استنباط کنم. من همه این چیزهایی که آقای دکتر فاسملو می فرمایند من به یاد دارم و بحثهای بسیار مفصلی داشتیم ما در چینی که آن طرح ۲۶ ماده ای را آماده می کردیم، شبانه روز

درگیر این کلمات و اصطلاحات بودیم. منتها من می گویم یوگسلاوی يك نمونه بسیار خطرناک و وحشتناکی است که امیدوارم در ایران که به نظر من پیش نمی آید برای اینکه در کردستان همچین تمایلاتی نیست و خارج از کردستان هم من نمی بینم. منتها من هروقت راجع به فدرالیسم و همزیستی مسالمت آمیز ملتها صحبت می شود من به کبک و کانادا فکر می کنم. شما هیچ مشکلی ندارید، شما در مونترال يك شهر کاملاً فرانسه زبان دارید، وارد اتاوا که شدید، اوضاع تغییر می کند. همین کبک تا حالا دو دفعه رفراندوم کردند که آیا می خواهید جدا بشوید یا نه. با تفاوت بسیار کمی نمی خواهیم جدا بشویم، نه جنگ شده، نه درگیری شده، نه تجزیه طلبی شده و زندگی هم ادامه دارد و دموکراسی و آزادی هم ادامه دارد. من می دانم و درك می کنم تفاوت عظیمی که بین جامعه کانادا و ایران است، من این را می فهمم، منتها به نظر من این از آن چیزهایی است که امکان پذیر است. چسبیدن به این اصطلاحات و صحبت کردن از این زاویه به نظر من ما را به جایی نمی رساند. مساله تنها تمرکز زدایی و دادن برخی اختیارات به مناطق نیست. مساله مردم است، آحاد مردم است. این مردم هستند که تحقیر شدند و به عنوان شهروندان درجه دوم نگرسته شدند و بنابراین منطقه ای هم که در آن زندگی کردند عقب افتاده و نگذاشتند توسعه اقتصادی به آنجا راه پیدا کند. من با همگرایی که آقای کشتگر خودشان می گویند و از زنده یاد فاسملو یاد می کنند، بسیار بسیار موافقم و فکر می کنم به جای تاکید روی تمرکز زدایی و بحث بر روی مناطق، صحبت بر سر این بشود که حقوق ملیتها به رسمیت شناخته شود و هیچ دلیلی نمی بینم و هیچ کردی هم که به شرایط ژئواستراتژیک منطقه خاورمیانه و بخصوص ایران وارد باشد و آشنایی داشته باشد، حتی در خیالش هم باشد که می شود مثلاً کردستان را از ایران جدا کرد و این يك عمل ناممکنی است و غیر واقعی است حتی اگر همه کردها آرزویش را هم داشته باشند.

ع . س : آقای همایون .

**داریوش همایون :** من چیزی به نام حقوق ملی نمی فهمم. اگر کردها می خواهند که نهادهای انتخابی امورشان را اداره بکنند، اگر می خواهند از حقوق برابر با همه ایرانیها برخوردار باشند، اگر می خواهند حقوق فرهنگیشان محفوظ بماند، اینها اسمش حقوق ملی نیست. همین حقوق را می بایست برای مردم فارس، مردم گیلان، آذربایجان، خراسان قائل باشند. ما تافته جدا بافته در ایران نداریم، همه ایرانیها یکی هستند، همه باید از يك حقوق برخوردار باشند، هر ایرانی من که در تهران هستم باید حق داشته باشم کردی صحبت کنم و بروم مدرسه کردی، دلم می خواهد کردی صحبت کنم و هیچ کسی هم نمی تواند جلوی من را بگیرد. اگر اینطور شما فکر می کنید که يك ملت است و همیشه بوده است و يك حقوق هم خواهند داشت، منتها يك قسمت هم اسمش کردستان است، يك تکه اسمش کرمان است، يك تکه فارس است، کرد و فارس هم نداریم. اگر از گیلک هم بپرسیم که تو

فارسی، می‌گویند نخیر من گیلکم. یک عده‌ای از مردم ایران در فارس زندگی می‌کنند، آنها هم خودشان را فارس نمی‌دانند، آنها هم خودشان را اهل استان فارس می‌دانند. زبان فارسی هم یک زبانی است که همه مردم ایران صحبت می‌کنند، ولی آن گیلک زبان خودش را دارد، کرد هم زبان خودش را دارد. اینطور اگر نگاه کنیم مساله حل می‌شود. بخواهیم جدا کنیم، خط بکشیم، کشور چند ملیتی، یک گرایشهای دیگری را در بقیه مردم ایران و یک قسمتی از مردم ایران بیدار می‌کنیم که به هیچ وجه نه به صلاح دموکراسی است، نه به صلاح خود کردها. من اینها را روی تجربه می‌گویم. هیچ اختلافی بین آنچه که آقای اسکندری برای کردها می‌خواهند، با آنچه که من برای کردها می‌خواهم، نیست. اما اگر یک کلمه و اصطلاح خاصی رویش اصرار دارند، آن یک بحث دیگری است. من توصیه می‌کنم بروند دنبال مطلب، محتوا، این محتوا باید دموکراتیک باشد، برابر حقوق همه ایرانیان باشد، محتوا باید عدم تمرکز باشد. مناطق ایران بسیار هم مهم است، به هیچ وجه ما نمی‌توانیم یک تکه ایران را حقوقی بدهیم، بقیه ایران را ندهیم، اصلا عملی نیست، همه را باید به یک چشم نگاه کرد، همه مردم باید یک حقوق داشته باشند، در همان کردستان، ولی در استان آذربایجان غربی اصلا معلوم نیست تکلیف چه خواهد شد. گفتند راجع به ایران مانند یوگسلاوی نمی‌شود فکر کرد. از این اتفاقات همه جا ممکن است بیافتد. پاکشویی قومی همه جا ممکن است اتفاق بی‌افتد. باید این چیزها را هم در نظر گرفت، به هر حال مردم ایران در هم آمیخته‌اند، مناطق ایران جمعیت‌های مختلف دارند، فکر همه اینها را باید کرد، یک جوری باید بشود که نه ایران به خطر بی‌افتد و نه حقوق کردها زایل بشود و نه حقوق بقیه مردم ایران.

**ع. س.:** آقای کشتگر درك شما از حقوق ملی چیست؟

**علی کشتگر:** من فکر می‌کنم که یک سری ویژگیها در کردستان وجود دارد که در تهران نیست، ضمن این که طبیعتا هر شهروند ایرانی باید در برابر قانون مساوی باشد و ما نمی‌توانیم قانونی در آینده داشته باشیم که مایه تبعیض باشد. اما مثلا این قانونی که امروز در عراق تصویب شده، یک حق و حقوقی برای کردها به عنوان خودمختاری یا خودگردانی یا هر واژه دیگری در واقع در نظر گرفته به خاطر این که اینها کرد هستند، زبان خاص خودشان را دارند، تاریخ خودشان را دارند و هویت خاصی. حالا در ایران من همینطور که عرض کردم خیلی خیلی نزدیک هستند یعنی اصلا این ویژگی که در عراق برای کردها هست یا در ترکیه هست، واقعا در ایران بسیار کم است و در عین حال خوب مساله زبان کردی یک مساله مهمی است که نادیده گرفته شده، حق خودگردانی کردها، حق آموزش زبان کردی و مسائل دیگر، انتشارات کردی، روزنامه کردی، رسانه کردی، خب همه اینها در نظر گرفته نشده، اینها ویژگیهایی است که با اصفهان فرق دارد، ضمن این که قانون باید همه شهروندان را مساوی بداند. بنابراین من فکر می‌کنم بایستی

برای این ویژگیهای معین مردم کردستان، فکر کرد و در همین رابطه به گونه‌ای برخورد کرد که اگر کلمه‌ای مانند خودمختاری برای کردستان، دموکراسی برای ایران گفته می‌شود، این خودمختاری تا چه حد قابل قبول است، تا چه حد عملی است، تا چه حد می‌تواند یکپارچگی را به خطر بی‌اندازد، تا چه حد می‌تواند مردم کردستان را وحدتشان را با بقیه مردم ایران تقویت کند، تمام اینها به نظر من مسائلی است قابل بحث و باز و همینطور که آقای اسکندری هم اشاره کردند، خوشیختانه مساله فکر جدایی و تجزیه در خود کردها و جنبشهای سیاسی کردستان نبوده در این سالهای اخیر، بلکه حکومت مرکزی استبدادی جمهوری اسلامی بخصوص در این دو دهه بوده که چنین اتهاماتی زده و در همین حکومت است که نه فقط کردها، بلکه هر شهروند ایرانی که برداشت معینی از جمهوری اسلامی و دین را ندارد اصلا شهروند درجه دوم است و فقط کردها هم نیست.

**ع. س.:** آقای اسکندری، آقای همایون و آقای کشتگر هر دو متفق القول هستند که هر حقی را که ما برای مردم یک منطقه از کشور می‌خواهیم، باید برای مناطق دیگر کشور هم لحاظ بشود، و نیز با توجه به اینکه، همانطور که خودتان هم گفتید، در قانون اساسی موقت عراق، وضعیت تقسیم بندی استان ها را به همان صورتی که بوده حفظ کردند. خود این موضوع، با مساله‌ای که در ایران هست مقداری تفاوت دارد. می‌خواستم خواهش کنم که اول راجع به نظر آقایان همایون و کشتگر و نیز راجع به این موضوع نظرتان را بفرمایید.

**احمد اسکندری:** ببینید، به نظر من، داشتن حق شهروند و داشتن حق برابر، آنچنانکه در بیانیه جهانی حقوق بشر و ملحقات آن پیش بینی شده است، اگر همچین چیزی در ایران، پیاده بشود، به نظر من مساله حل است. اینکه آقایان می‌فرمایند، من کاملا موافق هستم که در صورت بودن این حقوق، می‌شود صحبت از این کرد که کردها هم طبیعتا حرف خودشان را خواهند زد. منتها یک اشکالی که در این بحث هست این است که این دوستان باید به این مساله توجه بفرمایند، یا به این معضل توجه نکنند که چرا هیچ روستایی خارج از کردستان، توسط جمهوری اسلامی قتل عام نشد. در کردستان روستاهای قارنه و فئاته قتل عام شد، در حالی که ملای آبادی با قرآن آمده بود و خواهش می‌کرد که این کار را نکنند. این یک. هیچ کدام از شهرهای خارج از کردستان توسط نیروی هوایی جمهوری اسلامی بمباران نشد، توسط عراق بمباران شد، ولی تمامی شهرهای کردستان ایران مشخصا، سنندج، سقز، مهاباد، و مریوان، و بانه که آن را اصلا نابود کردند، اینها تحت شدیدترین حملات هوایی فانتوم‌های ارتش ایران بود. شما چطور این را جواب می‌دهید، چطور می‌گویید که کردها هم فرقی نمی‌کند. استان کردستان هم این استان هست. من دلم می‌خواهد این را قبول بکنم به عنوان یک کرد. منتها راستش وقتی که به واقعات جامعه ایران نگاه می‌کنم، همیشه دولت مرکزی و روشنفکران مدافع دولت‌های مرکزی، همیشه کردستان را به

عنوان یک دشمنی که دارد جدا می‌شود (نگاه می‌کنند). من آرزویم این است که کردها خودشان را به عنوان شهروندان درجه اول این کشور بدانند. منتها این همیشه طرف مقابل بوده که گفته نه بابا، اینها را بزنیدشان، اینها خیلی چیزهای دیگر می‌خواهند. اینجوری نیست. منظورم این است که مساله حساسیت زیادی دارد. همین حالا هم من مطمئن هستم که هم آقای همایون و هم آقای کشتگر، بحث‌های ترکیه را تعقیب می‌کنند. در ترکیه بین روشنفکران ترکیه این بحث داغ هست که خودشان را مقایسه می‌کنند، و آنها هم اتفاقاً عین این مقایسه را می‌کنند که ما برخوردارمان با کردها چگونه بوده و این مساله عراق ممکن است که برای ما هم مشکل ایجاد بکند. من نگران این هستم، اگر کسی به من به عنوان یک کرد، این قول را بدهد که حق شهروندی که در تهران، در زاهدان، در مشهد، در تبریز هست، عین همین حق را به همه مردم کردستان هم بدهند، روی چشم، همه قبول می‌کنند و مشکلی هم نداریم. و من می‌گویم که می‌توانم از طرف همه کردها بگویم که در تمام جنبش‌های گذشته، و در تمام شورش‌هایی که انجام شده، همیشه کردها دفاع کردند، و هیچوقت حمله نکردند، و آغازگر نبودند. من امیدوارم که هیچوقت، هیچ نوع درگیری و خشونت‌ی دیگر در کردستان و اصلاً در ایران، در هیچ جای دیگر ایران پیش نیاید، منتها واقعیت یک چیز دیگر است، و به خصوص کسانی که نزدیک‌تر هستند به قدرت، و یا اینکه گوش شنوایی برای صحبت‌های شان در ایران پیدا می‌شود، به نظر من اهمیت زیادی در اینکه به این واقعیات از زاویه مردم کردستان بنگرند.

**ع.س.:** آقای همایون؟

**داریوش همایون:** من از طرف حزب مشروطه ایران، می‌توانم به آقای اسکندری قول بدهم که ما جز اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر و آن میثاق‌های ملحق، پیوست آن، برنامه‌ای نداریم، و اصلاً برای ما فرق نمی‌کند که ایرانی کجا زندگی می‌کند و کدام منطقه زندگی می‌کند، و چه زبانی صحبت می‌کند. اصلاً هیچکدام از اینها مهم نیست، همه مناطق ایران باید اجازه انتخاب نهادهای اداره کننده خودشان را داشته باشند. مقامات اجرایی پاسخگوی آنها باشند. هر ایرانی باید حق داشته باشد که تا هر مقام انتخابی و انتصابی برود بالا. اصلاً تفاوتی نمی‌کند. اینها را ما می‌توانیم از طرف خودمان قول بدهیم، و من مطمئن هستم که بسیاری از ایرانیان دیگر در این نظر با من شریک هستند. اما در مورد جنایاتی که جمهوری اسلامی نسبت به کردها کرده است، اصلاً مردم ایران مسئولیتی ندارند. مردم ایران با حکومت جمهوری اسلامی دو تا هستند، و من تصور نمی‌کنم که تعداد کشتگان کرد توسط جمهوری اسلامی، خیل بیش از کشتگان فقط زندان‌های ایران که اعدام شدند، از طرف این رژیم، بوده باشد.

**احمد اسکندری:** من منظورم این نبود. یعنی منظورم تعداد کشتگان نبود. من به هیچوجه مردم ایران را با رژیم ایران یکی نمی‌گیرم.

**داریوش همایون:** من منظورم این بود که اینها هر کسی را که توانستند کشتند. این دلیلی نمی‌شود که ما مردم ایران را، یا احزاب ایرانی را، از روی اقدامات اینها قضاوت بکنیم. همه اینها باید کمک بکنیم که این رژیم برود، همه ما باید کمک بکنیم که در آن مملکت دموکراسی برقرار بشود. همه ما باید کمک بکنیم که اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های پیوست آن در ایران اجراء بشود. و این مسائل تمام بشود برود، و ما به ساختن آن مملکت برسیم. کردستان منطقه ای است بسیار محروم، از نظر منابع طبیعی هم متأسفانه وضع آن زیاد خوب نیست. باید همه ایرانیان کمک بکنند، کردستان را به پای بقیه استان‌های ایران برسانند. باید از جاهای دیگر زد و به این استان‌های محروم داد. همه ما سر یک سفره نشسته‌ایم و باید برادروار از این سفره استفاده بکنیم. اینها چیزهایی است که می‌توانم از طرف خودمان به ایشان اطمینان بدهم.

**ع.س.:** آقای کشتگر؟

**علی کشتگر:** من فقط این را عرض بکنم که اگر در کردستان سرکوب شدید بوده، به خاطر این است که مردم کردستان مقاومت کردند علیه یک حکومت مذهبی سرکوبگر و کردهایی که همکاری کردند با حکومت، هم وجود داشتند. کسانی هم بودند که رفتند در سلسله مراتب حکومت جمهوری اسلامی هم شرکت کردند، سرکوب هم نشدند. در کردستان، مردم کردستان یک سنت مبارزاتی آنجا وجود داشته، یک سنت در واقع مقاومت وجود داشت، و جمهوری اسلامی هم در برابر این مقاومت شدیدترین سرکوب‌ها را انجام داد، و همه آن جنایاتی را که او مرتکب شد، در کردستان، به نظر من علیه سایر نیروهای سیاسی و علیه سایر مردم هم کم و بیش و نه به این شدت، البته دیدیم که بسته به مقاومت هر منطقه و هر فکر و هر جنبش و هر حزب و هر فردی، این کار را کرده. و به این اعتبار به نظر من قبل از اینکه این مساله را یک ویژگی کردی بینیم، یعنی در واقع سرکوب کردها توسط فارسها بینیم، که این به نظر من خطا است، این سرکوب مقاومت بخشی از مردم یک کشور است، علیه یک حکومت ستمگر و مستبد استبدادی. و به نظر من هر چه که ایرانی‌هایی که در عرصه ملی مبارزه سیاسی می‌کنند برای آزادی و دموکراسی و حاکمیت ملی، بیشتر از حقوق مردم کردستان دفاع کنند، یک پارچگی ایران و نزدیکی و همدلی بین همه مردم ایران بیشتر می‌شود.

**احمد اسکندری:** خواهش می‌کنم این سوء تفاهمی نشود. هیچ جای صحبت‌هایم، من زیاد صحبت می‌کنم این ور و آنور، تا آنجایی که بتوانم می‌نویسم. هیچگاه در هیچ جایی، هیچ کسی از من نشنیده که گفته باشم که این فارسها هستند که با کردها اینجوری کردند. ارتش جمهوری اسلامی ایران، شهرهای کردستان را بمباران کرد. مردم عادی، مردم سیویل Civil (غیر نظامی) را کشت. خانه‌های آنها را ویران کرد. من می‌گویم این را حکومت‌های اشغالگر با مردم انجام می‌دهند، و این جای نگرانی است. روشنفکران ایرانی باید الان کمک

تفاهم نشود، برخوردار باشند، تا اینکه زمینه چنین خشونت‌هایی از بین برود.

**ع.س.:** با تشکر از آقایان اسکندری، کشتگر و همایون، برای شرکت در این بحث. امیدوارم بتوانیم در فرصت‌های دیگر به این بحث ادامه دهیم.

[Link to original article](#)

بکنند، الانی که ما مشغول این هستیم و امیدوار هستیم که این رژیم را با یک رژیم دمکراتیک جایگزین بکنیم، اهمیت بسیار زیادی دارد که روشنفکران ایرانی، به عنوان یک اقدام پیشگیرانه، از قبل این مساله را رویش تاکید بیشتری بکنند، که تمام شهروندان ایرانی باید از حقوق برابر، منتها زیر برابر آن باید چندین خط تاکید کشید، که سوء